

أم السمینار زرشک و پایان پرونده «چی چیز» ۱۲۳ میلیاردی



واقعاً اگر هدف اصلی «بررسی و شناخت شیوه‌های فرآیند زرشک» باشد باید به جای دعوت از «کلیه دانشمندان، محققان و متخصصان و صاحب‌نظران» فقط از دانشمندان و محققان زرشک‌شناس دعوت می‌شد.

پس می‌بینیم کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است.
نیم‌کاسه را که می‌شناسیم. نیم کاسه همان سمینار فرآیند زرشک است، اما کاسه چیست؟

اگر اهل قبیله مطبوعات به متن آگهی دقیق می‌شدند یا آن را ندیده نمی‌گرفتند، و یا مثل جریده شریفه کیهان سرسری از آن نمی‌گذشتند، و بایک قصیده زرشکیه که مطلع آن به شرح زیر است، سرو ته قضیه را هم نمی‌آوردند، متوجه ماهیت کاسه می‌شدند.

گفتش ای دوست حرفم گوش کن گفت آی زرشک
گفتش سبگار خود خاموش کن گفت آی زرشک

سهیل‌انگاری حرفه‌ای را ملاحظه می‌فرمائید؟! قرار است سمینار سرنوشت‌سازی با شرکت کلیه دانشمندان، محققان، متخصصان و صاحب‌نظران، تشکیل شود، آن وقت یک جریده شریفه کثیرالانتشار اهمیت آن را تا حد قصیده زرشکیه‌ای که قافیه آن «آی زرشک... آی زرشک» است، پائین می‌آورد.

وقتی موضع‌گیری یک جریده کثیرالانتشار که اجله علمای سمینارشناسی را هم در اختیار دارد این باشد، از جراید قلیل‌الانتشار چه انتظاری می‌توان داشت؟

مثلاً می‌توان از جریده‌ای مثل همین «گزارش» انتظار داشت برود پرده‌ها را بالا بزند و با دلیل و مدرک محکمه پسند ثابت کند این سمینار با این هدف تشکیل می‌شود تا قطعنامه‌ای صادر کند که حکم یک تعویذ داشته باشد که به هر تن رنجوری بمالی شفا یابد، و روی هر صورت مسأله‌ای بگذاری حل شود؟

اگر ما چنین کاری را بکنیم، همین روزنامه کیهان و سایر جراید کثیرالانتشار نخواهند نوشت: **آی زرشک!**

اگر ما پس از تحقیقات کافی و وافی اعلام کردیم قطعنامه این سمینار چنان اثرات معجزه‌آسایی خواهد داشت که اگر آن را به کامپیوتر بانک مرکزی بمانند، تمامی بدهی‌های خارجی ایران ناگهان تبدیل به میلیاردها ذخیره ارزی خواهد شد، روزنامه شریفه اطلاعات نخواهد نوشت: **آی زرشک!**

اگر ما بشارت دهیم بلافاصله پس از خاتمه کار این سمینار سمینارهای متروقی تهران راه‌اندازی خواهد شد، روزنامه همنشهری نخواهد نوشت: **آی زرشک!**

اگر ما به جوانها اطمینان بدهیم پس از صدور قطعنامه این سمینار بانکها به ایشان بدون هیچ معطلی و قید و شرطی وام ازدواج، وام مسکن و دستمایه برای شروع بک کار خواهند پرداخت، روزنامه گرامی ایران نخواهد نوشت: **آی زرشک!**

اگر اعلام کنیم در پائیز امسال و پس از پایان کار سمینار زرشک تورم مهار خواهد شد، قیمت‌ها کاهش خواهد یافت و فور نعمت به حدی خواهد رسید که ممکن است قاطبه اهالی ایران از زور خوشی و خوشبختی کنار دست خودشان بدهند، جریده تجلیه رسالت نخواهد نوشت: **آی زرشک!**

ما هر چه بنویسیم و هر ادعایی را مطرح کنیم جراید خواهند نوشت **آی زرشک**. همه جراید، بجز جریده وزین تازه‌های اقتصاد، ارگان بانک مرکزی، که تنها نشریه‌ای است که از هم اکنون به اثرات معجزه‌آسای سمینار زرشک پی برده و به استقبال آن رفته است...

نوشته محمد حیدری

ما اهل قبیله مطبوعات مستحق همه گونه سرزنش و ملامتیم. اگر نوی سرمان بزنند و بگویند بی‌عرضه و ناشی و ناوارد هستیم، حقمان است.

نزدیک ششده امتیاز نشریه در این بلاد صادر شده است، و روی میز روزنامه‌فروشی‌ها از انواع نشریات تمام رنگی، نیمه رنگی، سیاه و سفید، روزانه، هفتگی، ماهنامه، تخصصی، فوق تخصصی، انقلابی، نیمه انقلابی، کمی ضد امپریالیستی، خیلی ضد امپریالیستی و... چنان پوشیده شده که جای سوزن انداختن وجود ندارد، آنوقت دریغ از یک سطر خیر، یا گزارش و یا تحلیل از مهم‌ترین رویدادی که قرار است در پائیز امسال اتفاق بیفتد و به تمامی کسب‌و‌ها، مشکلات، ناروایی‌ها و نابسامانی‌های داخلی و خارجی ما پایان دهد.

سمینار زرشک را عرض می‌کنم.
گمان فرمائید این سمینار مشابه سمینارهایی است که تاکنون شاهد برگزاریشان بوده‌ایم و فقط اندکی از معضلات ما را در اموری نظیر اقتصاد کلان، آزاد سازی اقتصادی، تورم، بدهی خارجی و امثالهم حل کرده است؛ خیر! این یکی را باید «ام السمینار» نامید و بی‌هیچ تردیدی از هم اکنون به نتایج معجزه‌آسایش ایمان آورد.

البته باید اذعان کرد برگزارکنندگان سمینار با زیرکی خاصی خواسته‌اند اهمیت این رویداد خجسته را کمتر از آنچه که هست نشان بدهند و لذا عنوان آن را «سمینار فرآیند زرشک» گذاشته‌اند، اما این دلیل نمی‌شود که ما کوتاهی همکاران رسانه‌ای خود را در درک اهمیت چنین سمینار با عظمت و سرنوشت‌سازی ببخشاییم.

اگر این همکاران متن آگهی تشکیل این سمینار را که در اکثر جراید کثیرالانتشار و قلیل‌الانتشار منتشر شده است با دقت می‌خوانند، متوجه اهمیت استثنائی آن می‌شدند. به قسمت اول متن آگهی توجه فرمائید:

«اداره کل صنایع خراسان با همکاری استانداری خراسان، سازمان پژوهشهای علمی و صنعتی خراسان، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشگاه بیرجند، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، سازمان کشاورزی خراسان در نظر دارد در آبان سال جاری به منظور بررسی و شناخت شیوه‌های فرآیند زرشک سمیناری در زمینه تولید و صنایع تبدیلی زرشک در سطح استان برگزار کند، بدین منظور از کلیه دانشمندان، محققان، متخصصان و صاحب‌نظران علاقمند دعوت می‌نماید...»

و نکته انحرافی را دقیقاً در همین کلمات آخر باید جستجو کرد.

شاهد هم میزگرد ویژه سیستم بانکی است که در شماره ۴۵ این گرامی نامه (همان شماره‌ای که روی جلدش تصویر یک قرص نان را کشیده‌اند و کنارش نوشته‌اند «قیمت تعادلی نان») چاپ شده است.

اجازه بدهید صادقانه اعتراف کنم اگر مباحث این میزگرد را نخوانده بودم، من هم بی به اهمیت سمینار زرشک نمی‌بردم. با خواندن مباحث همین میزگرد، که در رابطه با پرونده «چی چیز» ۱۲۳ میلیارد تومانی بانک صادرات تشکیل شده بود، متوجه شدم سمینار زرشک چه اثرات معجزه‌آسای همه جانبه‌ای خواهد داشت.

و راستش را بخواهید، به گردانندگان این مجله حسودیم هم شد. چرا که آنها زودتر از من به عواقب میمون سمینار زرشک پی برده و به استقبال آن رفته‌اند.

برای آن که بدانید چرا بنده در این سن و سال مثل بچه‌ها حسود شده‌ام، لازم است قسمت‌هایی از مباحث این میزگرد را مطالعه فرمائید:

البته ممکن است عده‌ای از تنگ‌نظران پس از خواندن گزیده‌های میزگرد مورد بحث جو بیندازند که قرار بوده است در این میزگرد موضوع چی چیز ۱۲۳ میلیاردی ماست مالی شود، اما بعد به دلایلی نامعلوم عنان اختیار از دست ایشان خارج شده و پرونده سر از دادگاه درآورده که بنده چنین قضائونی را در مورد این برادران دانشمند و متعهد متصفانه نمی‌دانم. شاید بعضی پا را فراتر بگذارند و بگویند چون یک مختصر کشمکش بین برخی از برادران «نارقیق دوست» خدمتگزار شافل در بعضی از نهادها با «رفیقان» سابق و رقبای لاحق ایشان جریان دارد، پرونده مزبور علیرغم مجاهدت‌های شرکت‌کنندگان در میزگرد مجله ارگان بانک مرکزی و همتایان ایشان در راستای ماله و پیاله ماست به دست گرفتن، بسی نتیجه رساننده و پرونده از دادگاه سردآورده! حاشا و کلاکه چنین نیست و همانطور که رؤسای بانک مرکزی اعلام کردند ما بدهی خارجی نداریم و بعداً معلوم شد که نداریم (زیرا مرغ یک پا دارد) در این مورد هم حرف حق همان است که اصحاب بانک مرکزی در نشریه ارگان آن زده‌اند. و

اگر مختصر تضادهای بین گفته‌های این عزیزان با مطالب طرح شده در دادگاه و جرد دارد مربوط به عدم استفاده بهینه از آب زرشک است.

باری در این میزگرد آقای رجب صالحی مسئول اداره بازرسی بانک صادرات پس از ذکر مقدمه‌ای در مورد چگونگی فاش شدن قضیه «چی چیز» ۱۲۳ میلیارد تومانی در تاریخ ۷۱/۱۱/۱۳ در دو شعبه بانک صادرات می‌فرمایند:

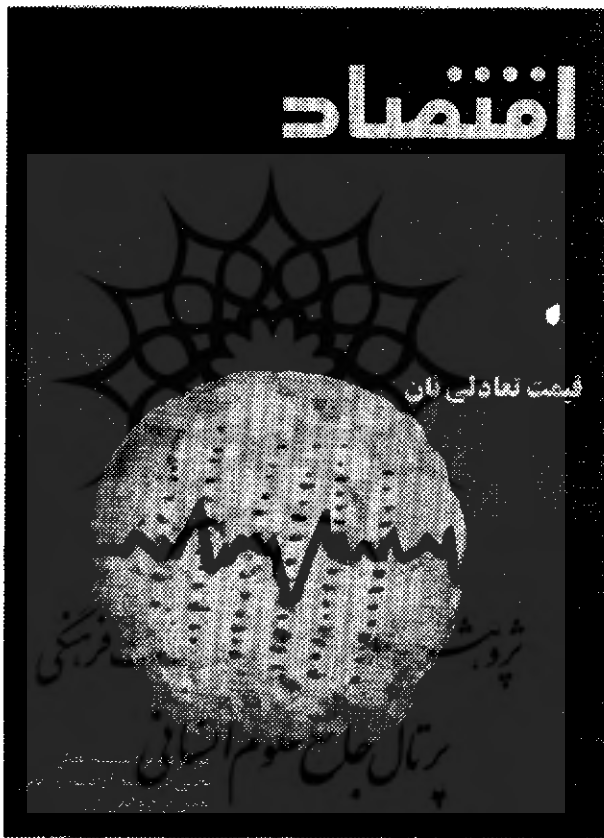
.... آقای فاضل خداداد به ایران آمد و اولین جلسه را ترتیب دادیم. در آن هنگام هدف ما گرفتن پول نقد بود و در عین حال نمی‌توانستیم اطمینان کامل داشته باشیم. لذا در صدد برآمدیم که به هر صورت، ولایت و پشتوانه‌هایی را هم بدست آوریم. در همان اولین نشست با این شخص، مجدداً چک‌هایی از ایشان گرفتیم، و از ایشان خواستیم که سند مالکیت و ولایتی لازم را در اختیار ما قرار بدهد. چک‌هایی که از ایشان گرفتیم عبارت بودند از دو چک ۵ میلیارد ریالی، یک چک ۲ میلیارد ریالی و یک چک ۲/۷ میلیارد ریالی و چند چک دیگر. انوقت قرار گذاشتیم که تا حدود یک ماه دیگر بقیه بدهی خود را به صورت نقد به ما پرداخت کند و سند مالکیت‌هایی را هم به عنوان

پشتوانه به ما بدهد تا ما پولها را وصول کنیم. بنابراین، در مراحل بعد سند مالکیت را هم گرفتیم. لازم به توضیح است که چون انتقال قطعی مستلزم تشریفات بود و ما هم عجله داشتیم، لذا این پشتوانه‌ها را با بیع نامه‌های داخلی و وکالتنامه بلامزل به دست آوردیم. شاید هفت یا هشت روز بعد هم توانستیم در ازای دو فقره چک‌های شخصی ۵ میلیارد ریالی دریافتی، یک چک بانکی ۱۰ میلیارد ریالی وصول کنیم. علاوه بر این، یک چک ۲ میلیارد ریالی و یک چک ۲۰۰ میلیون ریالی هم وصول شد. بنابراین مجموعاً ۲۱/۲ میلیارد ریال از این پولها وصول شد و ۲۲/۲ میلیارد ریال از آنها باقی مانده بود که در مقابل این رقم هم ولایتی مثل زمین و ملک گرفته بودیم. [بسه خوانندگان عزیز که از هم اکنون با خواندن رقم‌های چک‌ها دچار سرگیجه و درد سر شده‌اند توصیه می‌کنم فی‌الغور چند قرص آسپرین را یکجا میل کنند، چون قسمت‌های بعد خیلی مهیج تر است.]

توضیح اینکه در همان اول که قضیه برای ما روشن شد، هدف ما پنهان کردن موضوع نبود، بلکه می‌خواستیم روزنامه‌ها و افکار عمومی مردم متوجه این قضیه نشوند و در نهایت، آقای خداداد به این قضیه پی برد. [نتیجه اخلاقی و عملی = افکار عمومی و روزنامه‌ها محل منافع عمومی هستند، هر چه در غفلت و بی‌خبری بمانند بهتر است.] به همین دلیل، مسأله بلافاصله به صورت تلفنی توسط مدیریت بانک به وزارت امور اقتصادی و دارایی و متعالم آن به وزارت اطلاعات اعلام شد. بعد هم گزارش مورخ ۷۱/۱۲/۶ اینجانب به انضمام نامه آقای مسدیر عامل بانک به وزارت امور اقتصادی و دارایی فرستاده شد و با وزارت اطلاعات هم هماهنگی لازم را داشتیم و وزارت اطلاعات کاملاً در جریان موقوف بود و برای وصول پول هم کمال همکاری را با ما می‌کرد.

از طرف دیگر، مطابق فرای که گذاشته بودیم، می‌بایست این پولها را حداکثر تا پایان فروردین ۷۲ و بعد تا پایان اردیبهشت سال ۷۲ وصول کنیم، اما موفق به این کار نشدیم. البته ناگفته نماند که مراجعت این شخص به ایران و گرفتن استاد و پول از ایشان این قوت قلب را در ما ایجاد کرده بود که این شخص واقفاً قصد دارد که بدهی‌های خود را پرداخت و در عین حال نمی‌خواستیم که به همین آسانی موضوع را رها کنیم. بنابراین، پشتوانه‌هایی را هم بدست آوردیم و با این شخص مراباً در تماس بودیم و او موظف بود که هر دو سه روز یکبار خودش را به من نشان بدهد. تلفن منزلش را هم داشتیم و در ساعت شب و نیمه شب به او زنگ می‌زدیم تا مطمئن شویم که حتماً در ایران است. [قابل توجه کارآگاهان زبردستی که بعد از سالها تلاش موقت به دستگیری یک آفتابه‌دزد هم نمی‌شوند!]

به هر حال، در اوایل مرداد ۷۲ دیدیم که اگر قرار باشد مسأله بیش از این محرمانه بماند، ممکن است مشکلاتی را برای ما ایجاد کند، لذا بازرسانی را انتخاب کردیم تا بروند و تمام ریزچک‌ها و قضایا را استخراج کنند و خسارت را محاسبه نمایند. آنها هم در اوایل مرداد ۷۲ کار خود را شروع کردند. اما در ۷۲/۵/۳۰ احضاریه‌ای از سوی دادسرای انقلاب برای آقای فاضل خداداد صادر می‌شود و این احضاریه در تاریخ ۷۲/۶/۱ به رویت و امضای خواهر ایشان می‌رسد. وقتی که خبر احضاریه را به ایشان می‌دهند، علیرغم اینکه از دو کانال، یعنی هم از طرف وزارت اطلاعات و هم از طرف



حراست بنیاد مستضعفان و جانبازان، ممنوع الخروج بود. باز هم گویا با پاسپورت جعلی از کشور خارج می شود و فرار می کند. ناچار اقدام قانونی در مورد املاک و ولایق و مایه نامه ها و وکالت نامه ها را شروع کردیم تا پوله های بانک را وصول کنیم. علاوه بر این، از خارج از بانک هم برای برگرداندن مجدد این شخص اصداسالی می شود و موفق به برگرداندن ایشان می شوند و ما هم توانستیم ملک دیگری به ارزش ۱۵ میلیارد ریال را از ایشان بگیریم. ضمناً یکی از ملکهای ایشان، یعنی زمینی به مساحت بالغ بر ۳۶۰۰ متر مربع در خیابان جردن را هم قبلاً گرفته بودیم و فرار بود که در آنجا یک برج تجاری ۲۲ طبقه بنا شود و ۱۲/۵ میلیارد ریال بابت اضافه تراکم این ساختمان با شهرداری قرارداد منعقد شده بود که مطابق جواز مربوطه، مبلغ ۳/۵ میلیارد ریال آن را هم پرداخت کرده بودند و ۶/۵ میلیارد ریال هم با قیمت آن زمان ارزیابی شده بود. البته در مورد این زمین شکایاتی وجود داشت که رسیدگی به این شکایات مدتی وقت می برد، اما در حقیقت این ملک از لحاظ بیع نامه و وکالت نامه متعلق به بانک صادرات است، و چنانچه سه فقره بازداشتی مختصر مربوط به این زمین رفع شود، این ملک هم به تملیک بانک درمی آید. بنابراین، علاوه بر اینکه اصل مبلغ طلب بانک وصول شده است، قسمتی از خسارات تأخیر ما هم برخواهد گشت، البته اگر با مشکلی مواجه نشویم.

ملاحظه می فرمائید که سمینار زرشک هنوز تشکیل نشده چه اثرات معجزه آسانی بر جامعه گذاشته است. می شود از این محکم تر توی دهن گروهی مغرض زد که با آبروی یک بانک، یک عده اشخاص محترم، و از همه مهمتر نظام اقتصادی و قضائی کشور بازی می کنند؟

البته این که آقای صالحی جانی از دهانشان در رفته و فرموده اند «باز هم گویا با پاسپورت جعلی از کشور خارج می شود و فرار می کند» نباید مورد سوء تعبیر معاندین قرار بگیرد و بپرسند چرا باز هم بارو با پاسپورت جعلی فرار کرد. این که مطلب مهمی نیست!

وقتی طرف قوت قلب می دهد که طلب های بانک را بپردازد «پاسپورت جعلی» و «فرار» نباید مانع حل و فصل دوستانه یک اختلاف کوچک و پیش پا افتاده شود. آن هم حل اختلاف با آدمی که به قول جناب آقای قدوسی کارشناس اداره نظارت بر امور بانکها در بانک مرکزی وقتی یک فقره ضمانت نامه ۱۰ میلیون دلاری [دلاری نه ریالی یا حتی تومانی] مربوط به او جعلی از کار درمی آید، کککش هم نمی گذرد.

بنابراین ذکر این جمله از طرف جناب آقای صالحی که «باز هم گویا با پاسپورت جعلی از کشور خارج می شود و فرار می کند» نباید ما را از اثرات سمینار زرشک نومید کند. احتمالاً ایشان صبح روز شرکت در میزگرد فراموش کرده اند یک لیوان آب زرشک میل بفرمایند تا اعصابشان آرام شود و با تسلط بیشتری نسبت به رفع این سوء تفاهم جزئی اقدام کنند و نگذارند کار به دادگاه و دادگاه کشی برسد. باری، خوشبختانه توضیحات آقای قدوسی این مختصر سوء تفاهم را رفع می کند. ایشان در همان میزگرد می فرمایند:

البته وقتی که من برای رسیدگی به آن شبهه رفتم، آن کارمند و رییس و معاون شعبه در بازدید بودند و مذاکره و سؤال و جوابی با آنان نداشته ام، ولی براساس اطلاعات به دست آمده از دادستان عمومی تهران، مشخص است که این کارمند برای انجام این تخلف حتی هیچ منفعت شخصی نداشته، با جوهری و پاداشی هم دریافت نکرده است. در واقع، او این اشخاص را افراد معتبر و قابل اعتمادی تشخیص داده و براساس رویه ای که همه آقایان بانکی ها استحضار دارند و از قدیم در بانکداری ایران رایج بوده است و روش کاملاً معمول و متداولی در بانکداری دنیا هم هست، یعنی براساس روش اعتبار در حسابجاری و به لحاظ آنکه آن افراد را افراد معتبر و قابل اعتمادی تشخیص داده بوده است، شخصاً تصمیم گرفته که چنین اعتباری را در حسابجاری به آنان بدهد و این کار هم مدتی در حساب آقای فاضل خداداد و همکارشان، آقای بهروز یارخداایی انجام می شده و هیچ مسأله و مشکلی هم وجود نداشته و به لحاظ تداوم این کار، این اعتماد و

اطمینان هم در آن کارمند شبهه بوجود آمده بوده است که ادامه این کار هم مسأله و مشکلی را بوجود نمی آورد و آنان به موقع چک های خودشان را تأمین و پرداخت می کنند. اما بروز این مشکل هم ظاهراً به لحاظ ایجاد یک مشکل ناگهانی در معاملات آقای فاضل خداداد بوده است. یعنی معاملاتی در حال انجام بوده که به طور ناگهانی آن معاملات بهم خورده است و یک ضمانت نامه ۱۰ میلیون دلاری هم که به ایشان واگذار شده بود، از طرف بانک جعلی اعلام می شود و به هر حال، این مسأله باعث می شود که ایشان یکباره در پرداختهای خودش با اشکال مواجه بشود و آن چک هایی هم که توضیح دادند، برگشت شده و موضوع کشف بشود.

لذا به نظر من، این کار با سهولت و روانی بسیار زیاد و بدون اطلاع مقامات بانک و حتی مسوولان شعبه انجام می شده. بنابراین، حال این بحث قابل طرح است که به طور کلی، در این روش دادن اعتبارات کوتاه مدت برای انجام امور جاری و پرداختهای مشتریان خوب بانک (که در تمام بانکداری های جهان هم انجام می شود) همواره ممکن است مشتریان با مشکلات پیش بینی نشده ای مواجه شوند...

ملاحظه می فرمائید یک قضیه ساده و عادی را چه ناحق بزرگ کرده اند؟ یک کارمند ساده بانک بدون هیچ چشمداشت مادی تصمیم می گیرد به یک «مشتری حسود» بانک کسب کند و لذا ۴۰۰ - ۵۰۰ مرتبه (به قول یکی از شرکت کنندگان در همین میزگرد) چک های میلیاردی این «مشتری خوب» را پاس می کند.

به اعتقاد بنده آقای قدوسی صبح روز شرکت در این میزگرد یک لیوان بزرگ آب زرشک نیل فرموده اند که توانسته اند یک سوء تفاهم را که ناشی از تبلیغات سوء دشمنان داخلی و خارجی است به این راحتی رفع کنند.

البته در همین میزگرد یک نفر دیگر هم بوده که احتمالاً آب زرشک میل نکرده و لذا حرفهایی زده است که با قضای سرشار از معنویت و صداقت حاکم بر میزگرد نشریه ارگان بانک مرکزی همخوانی ندارد. ایشان آقای دکتر محمد حیاتی سرپرست معاونت امور بانکی و بیمه وزارت امور اقتصادی و دارائی است که در بخشی از سخنان خود گفته است:

... موضوع دوم، موضوع تضمین سپرده های مردم توسط دولت است، در حالیکه این امر به هیچ وجه نمی تواند توجه مناسبی برای تخلفات یا سهل انگاری ها باشد. ما نمی توانیم به اعتبار این تضمین دولت، از کنار قضیه بگذریم و احساس نگرانی نداشته باشیم. باید فرض را بر آن بگذاریم که هیچ تضمینی در بین نیست و باید آنچنان مراقب باشیم که حتی یک ریال از سپرده های مردم تضییع نشود. از طرف دیگر، چنانچه دولت هم این سپرده ها را تضمین کرده باشد، این سوال مطرح می شود که دولت از چه محلی می خواهد این وجوه را تأمین کند؟ به هر حال، اگر این وجوه از حساب کسی برداشته شده باشد، آیا دولت باید ۵۶ میلیارد ریال تاوان آن را بپردازد؟!

موضوع دیگر، این است که آیا امکان تکرار این تخلف باز هم وجود دارد یا نه؟ در پاسخ باید گفت که علی الاصول تا هنگام ظهور حضرت مهدی (عج) و تا زمانی که بشر در روی زمین هست، این نفس اماره هم در درون بشر وجود دارد و حداقل از لحاظ ثنوری، به هیچ وجه نمی توان زمانی را تصور نمود که تخلفی در روی زمین وجود نداشته باشد. ولی آیا به اعتبار وجود این گونه تخلفات در جوامع مختلف، می توان تمام جامعه را معذور و محکوم دانست؟

اما درباره اصل مسأله که می گویند ۱۲۳ میلیارد تومان نیست و ۶/۵ میلیارد تومان است، باید توجه داشت که این تفاوت اعداد تألیفی در اصل قضیه ندارد و برای مردم تفاوتی نخواهد داشت. اصولاً وقتی می گوئیم که سرقت مذموم است، در هر حد و اندازه ای که باشد، مذموم است و همین نفس عمل مهم است که مذموم است. در واقع اگر حتی یک ریال هم در سیستم بانکی تخلف وجود داشته باشد، به هر حال تخلف است و...

من به نتایج سمینار زرشک خیلی امید بسته ام؛ اما می ترسم حضور امثال آقای دکتر حیاتی در آن ما را از نتایج مورد انتظار از این آم السمینار محروم کند.

از برگزار کنندگان سخت‌کوش سمینار زرشک استدعای عاجزانه دارم تمهیداتی ببندیدند تا حضور امثال آقای دکتر حیاتی در جلسات سمینار ممکن نشود و به جای ایشان و امثال ایشان از دانش افرادی چون آقایان صالحی و قدوسی استفاده شود. حتی ارجح است روسای اسبق- سابق و لاحق بانک مرکزی و نیز مدیران عامل بانک‌های صادرات- سپه- تجارت و... و نیز کارشناسی نظیر آقای فاضل خداداد و توابع ایشان در این سمینار شرکت کنند.

در خاتمه به عموم روزنامه‌نویسان، قضات، وکلای مجلس، وکلای دادگستری، کارشناسان امور مالی، اقتصاد دانان و خلاصه قاطبه‌نق‌زنان حرفه‌ای توصیه می‌کنم مباحث بسیار آموزنده میزگرد مورد بحث را که در شماره ۴۵ گرامی ماهنامه تازه‌های اقتصاد ارگان رسمی بانک مرکزی چاپ شده و بسیار هم مفصل است، و بنده فقط نکات کم‌اهمیتی از آن را نقل کردم قاب بگیرند تا اخلاقشان اصلاح شود!

زیاده‌عرضی نیست، جز آرزوی سلامتی برای تمام عزیزانی که به اهمیت سرنوشت‌ساز و تاریخی زرشک واقفند.

۱- علت این که بنده نوشته‌ام پرونده «چی چیز» ۱۶۳ می‌پاردی این است که عده‌ای معتقدند این واقعه اختلاس بوده، برداشت غیرقانونی بوده، یک عده دیگر می‌گویند برداشت غیرقانونی نبوده بلکه عمل خیری بوده که یک کارمند مستضعف نواز در مورد یک مستضعف که پول نداشته پاسپورت قانونی تهیه کند و به سفر خارج برود و لذا از پاسپورت جعلی استفاده می‌کرده مرتکب شده است، لذا اینجانب برای احتراز از پیگرد قانونی از واژه «چی چیز» استفاده کرده‌ام.

تکمله شماره یک

کوشش‌های شرکت کنندگان در میزگرد مجله تازه‌های اقتصاد داشت همچین بفهمی نفهمی به ثمر می‌رسد و حتی شکاک‌ترین مردم داشتند باور می‌کردند شبکه بانکی از هرگونه انهامی میراست که یکی از برادران نماینده مجلس (آقای مهندس محمود روحبخش مهربان) بدون توجه به خواص معجزه‌آسای زرشک مصاحبه‌ای انجام داد که روز ۸ تیر در مطبوعات چاپ شد و یک مختصری از فواید آن میزگرد تاریخی را بی‌اثر کرد.

آقای مهندس روحبخش مهربان با نامهربانی نسبت به بانک مرکزی و بانک سپه و شرکت پروفیل ساوه یک «چی چیز» ناقابل در بانک سپه را پیراهن عثمان کرده و گفته است:

شرکت پروفیل ساوه در سالهای ۷۰ و ۷۱ موفق می‌گردد حدود ۱۹۵ برابر سرمایه ثبت شده خود در بانک سپه گشایش اعتبار کرده و برای بانک در ازاء چک و سفته ایجاد تعهد نماید و نهایتاً با مقدار ناچیزی پیش پرداخت گشایش اعتباری حدود ۱۵۰ میلیون دلار انجام و همان مبلغ تعهد ارزی برای بانک سپه بوجود آورد... متأسفانه بعضی از کارگزاران وقت بانک سپه، با حمایت از این شرکت و ارائه گزارشات غیرواقعی و همچنین واریز پیش پرداخت ارزی به سرفصل سپرده فرض الحسنه و ترحیم اجباری کالاهای وارد شده ناشی از گشایش اعتبارهای...»

بنده از ذکر بقیه اظهارات این برادر معذورم؛ زیرا نه فقط دستاوردهای میزگرد مجله تازه‌های اقتصاد را مخدوش می‌کند، بلکه ممکن است امیدهای ما به نتایج سمینار زرشک را هم به ناامیدی تبدیل کند.

تکمله شماره دو

در همان روز گزارشش لذا کرات علنی مجلس در جراید چاپ شده که قسمتی از آن در راستای خدشه‌دار کردن دستاوردهای میزگرد مجله تازه‌های اقتصاد بود. در این جلسه برادر عبدالله نوروزی مخیر اصول ۸۸ و ۹۰ مختصر اشاراتی به پرونده چی چیز بانک صادرات کرده و گفته‌اند:

در ضمن مسئول شعبه اقدام به افتتاح سپرده کوتاه مدت شماره ۹۰ بنام همسر و

برادر خود (امضاء مشترک) و فرض الحسنه ۶۰۳۰۲ بنام فرزند خود نموده که مواردی واریز و پرداخت در دلتوجه‌های مذکور مشهود می‌باشد. بنظر می‌رسد مبالغ واریز شده به حساب کوتاه مدت شماره ۹۰ تماماً رشوه بوده که سوء استفاده کنندگان بیت‌المال به مسئول وقت شعبه می‌پرداخته‌اند... و...

بعداً در جلسات اولیه دادگاه هم ریزی از رشوه‌های رد و بدل شده فراتر شد و گفتند...

البته خوانندگان گرامی به بنده حق می‌دهند برای حفظ دستاوردهای میزگرد مجله تازه‌های اقتصاد و در جهت کمک به هرچه شکرهمندتر برگزار شدن سمینار زرشک و حرف نزدن روی حرف آقای قنوسی که در میزگرد فوق‌الاشعار گفته‌اند رشوه‌های در کار نبوده از ذکر بقیه سخنان آقای عبدالله نوروزی؛ و محتویات ادعای ارائه شده به دادگاه اجتناب کرده و به جای آن خطاب به برادر عبدالله نوروزی عرض کنم: «قریانت گردهم!... وقتی برادر قدوسی می‌فرماید براساس اطلاعات به دست آمده خبری نبوده و یک کارمند بانک دلش خواسته به یک فرد مستضعف، چند میلیارد تومانی اعتبار بدهد، شما دیگر چرا قضیه را گنده می‌کنید؟»

از طرفی مقارن با همین قضایا جراید کثیرالانتشار و قلیل‌الانتشار هر روز خبری چاپ می‌کنند درباره سوء استفاده‌های ناقابل ۵۰ میلیون، ۱۰۰ میلیون و نهایتاً دو میلیارد تومانی در شعب بانک‌های مختلف! نظر تنگی را ملاحظه می‌فرمایند...؟ در استان در بانک مرکزی می‌کوشند قضیه ۱۶۳ میلیاردی به خیر و خوشی تمام شود، آن وقت جراید ما در راستای بی‌اثر کردن سمینار زرشک از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند.

تکمله آخر...

در آخرین لحظاتی که بنده داشتم پرونده این چی چیز ناقابل ۱۶۳ میلیارد تومانی بانک صادرات را به بایگانی تاریخ می‌سپردم روزنامه‌ها خبر تشکیل اولین جلسات محاکمه بازبرگان این «پیس» اجتماعی- اقتصادی- آموزنده و سرشار از نکات بدیع تاریخی- جغرافیایی- مدنی و قس علیهذا را منتشر کردند.

در خبرها آمده بوده که ریاست محترم دادگاه در مورد این افراد گفته‌اند: موارد انهامی مشترک آنها، مباشرت یا مشارکت در یک باند اختلاس با لبانی دسته جمعی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، جعل سند رسمی از اسناد بانک و اسناد میزور رسمی، کلاهبرداری، پرداخت و اخذ رشوه می‌باشد.

خوانندگان همین جمله عزم بنده را جزم کرده که پرونده مربوطه را از لحاظ خودم به بایگانی را کد بفرستم. آدم باید خیلی ناپخته باشد که خودش را بین دو گروه بیندازد که هر دو طرف هم هزار ماشاء... خیلی قلچماق هستند.

یک طرف می‌گوید: ای بابا... اصلاً اتفاقی نیفتاده؛ روزنامه‌جات شلوغ‌بازی در آورده‌اند.

و طرف دیگر راجع به مباشرت در باند اختلاس، اختلال در نظام اقتصادی کشور، جعل و این قبیل مقولات کبیره حرف می‌زند.

جداً آدم باید خیلی ناپخته باشد که خودش را قاطی این قبیل دعوها بکند و حد خود را نشناسد.

خوشبختانه بنده به دلایل عدیده هم پخته شده‌ام و هم حد خودم را می‌شناسم. حد بنده نهایتاً به مرز سمینار زرشک ختم می‌شود، و لذا از این زمان تا هنگام تشکیل سمینار مزبور تمامی هوش و حواس و امکاناتم را صرف تحقیق در مورد خواص زرشک خواهم کرد.

به تمام عاقبت‌طلبان هم توصیه می‌کنم به تاسی از این بنده که آخر و عاقبت دخالت در کار بزرگان را تجربه کرده‌ام فقط زرشک را دریابند و به بقیه امور کاری نداشته باشند.

